

حرف درشت

استعفا مستعفا



پوریا عالمی

● امروز چند پند جدید به پسر می‌دهم:

پسرم
قند عسلم... شما وقتی قسمت تلخ خیار را خورده باشی، تنها چیزی که می‌تواند این خاطره تلخ را برای شما از بین ببرد این است که یک بادام تلخ بخوری. الان هم ما خوشحالیم که آقای ترامپ سخترانی می‌کند تا ما سخترانی‌های آقای احمدی‌نژاد را از بین ببریم.

پسرم
فراموش نکن که سرنوشت داداش‌ها با هم عجین شده است. همان‌طور که شاعر شیرین‌سخن، حضرت حافظ، فرمود: ما دوتا داداشیم... شباً تو جامون کتاب می‌خوانیم... این شعر حکیمانه یعنی اگر یکی از داداش‌ها هم شب کتاب بخواند، به پای آن یکی هم نوشته می‌شود. پس حواست به داداشت باشد که بعدها برات قصه نشود. آفرین.

پسرم
یادت باشد صحیح نمی‌کنی (مؤدبانۀ غلط نمی‌کنی!) که بروی همه هزینه‌ها را برای یکی بکنی، یادت باشد که همه هزینه‌هایی که تو می‌کنی، از جیب من می‌رود و من این همه هزینه نکردم که تو بروی هزینه عطینا کنی. (در ضمن خرج عطیناکردن یعنی بذل‌وبخشش‌کردن).

پسرم
رئیس شوریای شهر یزد گفته اگر سپنتا نیکنام، عضو زرتشتی شورای شهر، کنار گذاشته شود، او هم استعفا می‌دهد. پسرم تو تحت‌تأثیر کار رئیس شوریای شهر یزد قرار نگیری و جو نگیردت‌ها. هر کی هر کاری کرد، تو استعفا مستعفا ندهی‌ها... تو فقط شغلت را دودستی چسب. آ قربون پسر.



شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۶ • ۲۴ محرم ۱۴۳۹ • ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۸۶ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۷ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنفرها

کارتون خواب

مهدی عزیزی

حقِ عابران پیاده، حقی که کم شده است...



Galaxy Note8

سامسونگ
SAMSUNG

فراتر برو



پشتیبانی ویژه‌ی صفحه نمایش
تعویض صفحه نمایش در صورت شکستن تنها با پرداخت ۱.۷۰۰.۰۰۰ ریال (یکبار تا پایان دوره)

سرویس اکسپرس بدون هزینه حمل ویزه‌ی شهرهای تهران مشهد، اصفهان و تبریز

- فقط برای گوشی‌های خریداری و روشن شده تا پایان آذر ماه ۱۳۹۶ به شرط ارسال کد IMEI از طریق پیامک به شماره ۴۲۱۲۱۲۲۰۰۴۲۱۲۲
- کد ۱۵ رقمی IMEI بر روی جعبه‌ی محصول موجود است.
- سرویس پشتیبانی ویژه تا پایان تابستان ۱۳۹۷ برقرار است.
- برای اطلاع از جزئیات این طرح با مرکز خدمات موبایل سامسونگ با شماره ی ۰۲۱۴۲۱۳۲ تماس حاصل فرمایید.

مرکز تماس
۰۲۱۴۲۱۳۲

بهم کشاورز

مطالعه درباره قاتلان زنجیره‌ای (سریال کیلرها) نشان می‌دهد که سه ویژگی در همه آنها وجود دارد: شب‌اداراری در کودکی، داشتن مادران سلطه‌جو و خشن و بالاخره تمایل شدید به حیوان‌آزاری در خردسالان. اینکه چه میزان از این خصوصیات در بزرگ‌سالی این افراد یا کسانی که آمادگی قاتل زنجیره‌ای شدن را دارند، باقی می‌ماند، بر ما روشن نیست و دراین‌باره باید متخصصان «روان‌شناسی غیرعادی» اظهارنظر کنند. اما گمان می‌رود علاقه و اشتیاق به حیوان‌آزاری را در بزرگ‌سالان باید جدی و علامتی از وجود بیماری و ناهنجاری تلقی کرد.

اخیرا ناظر صحنه‌ای بودم که از ذهنم محو نمی‌شود. واقعیت این است که این مشاهده بیش از لحظه‌ای طول نکشید، چون توان بیشتردیدن را نداشتم؛ در مراسمی، گاوی را زنده آویزان کرده بودند و آن‌گونه که دیگران برایم تعریف کردند (چون خودم نتوانستم بیشتر نگاه کنم) با ضربات کارد و چاقو حیوان

نکته

رابطه ما آدم‌معمولی‌ها، ترامپ و برجام

گیسو فغفوری

سرانجام «ترامپ» سخن گفت و درواقع مجموعه‌ای از توهین‌ها، تهدیدها و روایت‌های اشتباه را پشت‌سرهم بیان کرد تا اعلام کند که فعالیت‌های ایران بر اساس برجام را تأیید نمی‌کند. بلافاصله پس از تهدیدهای پرسروصدايش، فدریکا موگرینی سخن گفت و کمی بعدتر سه کشور بزرگ بیانه دادند و بعدتر حسن روحانی عتاب‌آمیز با ترامپ سخن گفت. آن‌قدر سخنان ترامپ پر از داد و فریاد بود که ناخودگاه شخصیت‌های سینمایی غیرمنطقی؛ از دکتر استرنج لاو تا فرانسیس آندروود (خانه پوشالی) را به ذهن‌ها متبادر کرد و هرکس از شخصیتی نام برد، سخنان ترامپ را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: اطلاعات غلط، تهدیدهای توخالی و تناقض با سخنان قبلی‌اش. اطلاعات غلط در سخنانش از بازگویی تاریخ ایران و آمریکا بود تا استفاده از واژه جعلی فارس که با واکنش فراوان مردم ایران روبه‌رو شد، اما عدم آشنایی‌اش با تعهد بین‌المللی برجام و نقش رئیس‌جمهور آمریکا را موگرینی بلافاصله برایش تشریح و استدلال کرد که هیچ نقشی در به‌هم‌زدن آن نخواهد داشت. مجموعه‌ای از تهدیدهای توخالی که همه مسئولیت را برعهده‌کنگره گذاشت. از نظر برخی از مردم ایران که شنونده این جملات از زبان ترامپ بودند، او با تهدیدهای توخالی سعی کرد تا ارادتش به اعراب را بیان کند و حتی نام‌بردن از واژه جعلی به‌جای خلیج فارس هم در این راستا بود، هرچند استفاده از واژه جعلی مردم ایران را بسیار ناراحت کرد و جداکردن مردم از حاکمیت برایشان وعده‌ای توخالی بود، چراکه همین چند روز آینده قانون جدید منع ورود ایرانیان به شکل سخت‌تری اجرائی می‌شود. البته طبل خالی‌اش صدای بلندی برای متحدانش و شنوندگان داخلی (رای‌دهندگان) داشت، اما پس از فروکش‌کردن هیجان اولیه و تحلیل آگاهان، صدایش برای دیگران کمتر گوش‌خراش بود. سخنان او با گفته‌های پیشینش هم تناقض داشت، حتی در این حد که یادش رفته بود ۹۰ روز پیش خودش پایبندی ایران را تأیید کرده بود. اما این روزها امیدواری دیگری داریم و حتی در شب بزرگ تهدید، می‌بینیم که کشورهای بزرگ اروپا پشت ایران و تعهد هسته‌ای هستند. هرچند دوباره همان جمله قدیمی بر زبان فروشنده‌ها جاری شده است: «با قیمت قبلی دلار حساب کرده‌ام، الان بروم بخرم تغییر می‌کند و بالاتر می‌رود». ما امروز راحت‌تر از کنار حرف‌هایی که یادآور دوران قبل از تصویب برجام است می‌گذریم. خشنمی که از سخنان تحقیرآمیز و تهدیدآمیز دونالد ترامپ نسبت به ایران داریم زیاد است. مردم به‌شدت از رفتار غیرقابل پیش‌بینی ترامپ عصبانی هستند، آنان از اتهامات ترامپ ناراحت و عصبانی هستند. بسیاری از مردم هم مانند دولت‌های اروپایی معتقدند دولت ایران به تعهدات خود عمل کرده است. بسیاری از ما تأثیر مثبت آرامش را پس از برجام در زندگی خود مشاهده کرده‌ایم. ما دیگر مجبور نیستیم برای داروهای غیرایرانی کل شهر را بگردیم تا عزیزانمان بر تخت بیمارستان کمتر رنج ببرند. ما به‌طور محسوس دسترسی آسان‌تری به انواع وسایل بهداشتی و غذایی داریم؛ از شیرخشک گرفته تا لوازم آرایش غیرتقلبی. ما به‌طور محسوس افزایش تعداد سفرهای هوایی به ایران از شهرها و در ساعات مختلف را مشاهده می‌کنیم. از سوی دیگر به‌طور محسوس خوشحالیم که نگرانی‌هایی نظیر تنهابودن در دنیا را دیگر حس نمی‌کنیم. حالا اگر ترامپ به‌طور یک‌جانبه از تعهد هسته‌ای خارج شود، به نظر می‌رسد که ایران در دنیا تنها نیست و این نکته مثبتی است. هرچند در سخنان تهدیدآمیز ترامپ در پاره‌ای از اوقات سخن از آغاز جنگ است، اما برای نسل ما که تجربه جنگ هشت‌ساله عراق را داشته‌ایم و بیش از یک‌سال‌ونیم مدام جمله «همه‌گزینہ‌ها بر روی میز است» را می‌شنیدیم، تهدید به جنگ واژه آشنایی است. در سال‌های قبل کودک یا جوان بودیم و راحت‌تر با محدودیت‌ها و ترس‌ها کنار می‌آمدیم، اما اکنون نگران فرزندانمان نیز هستیم؛ نگران اینکه هر جنگی چه ویرانی‌های گسترده‌ای پیش می‌آورد؛ نمونه‌اش جنگ سوریه، یمن، عراق... اما ترامپ اکنون روی کره‌شمالی متمرکز شده است و این نشان می‌دهد که ترامپ برای بقای خود نیازمند جنگ است تا خود را کمی محبوب کند. باورکردن تهدیدات ترامپ زیاد آسان نیست. برای کسانی که سریال‌های جهان را دنبال می‌کنند «ترامپ» نمونه کم‌هوش‌تر و تقلبی «فرانسیس آندروود»، شخصیت سریال «خانه پوشالی»، به‌خصوص در فصل ۵ است. گاهی هم پیش‌بینی کارهایش ممکن است، حتی اگر زیاد هم دنبال‌کننده اخبار سیاسی نباشیم، اما این دیگر روال شده است که او هرچند روز یک‌بار باید کاری کند که در اخبار مطرح شود. حتی اگر کاری نظیر بگوگو با وزیر امور خارجه‌اش بر سر آی‌کیو را انجام دهد، ما برخی از مردم عادی نگران جنگ نیستیم، چراکه می‌دانیم که سخن از جنگ ابزاری است که ترامپ برای ایجاد محبوبیت خود از آن استفاده می‌کند.

پیشنهاد

در ادامه سمینارهای عصب‌پژوهی که اکنون به دیوست‌وهشتادمین نشست خود رسیده است، این‌بار قرار است دکتر هوشنگ دولت‌آبادی درباره آیین پرستش زرزوان، خدای بخت و تقدیر سخن بگوید. همچنین در ادامه برنامه نیز دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم درباره گردش ایام، گرگراه سرنوشت و مگس میوه و انسان که جایزه نوبل پزشکی اسمال را دریافت کرد، سخنرانی می‌کند. این برنامه از ساعت ۸:۳۰ روز پنجشنبه ۲۷ مهر ماه در بیمارستان ایرانمهر آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۱:۳۰ ادامه دارد. بیمارستان ایرانمهر در دوراهی شریعتی قرار دارد.

سلام به فردا

به کجامی‌رویم؟

وحشیگری و بی‌رحمی چیز دیگری، این‌گونه حرکات به هر بهانه و در هر مراسمی که باشد غیرقابل قبول، توجیه‌ناپذیر و محکوم است. همچنین اینکه گوسفندان را دست‌وپایسته در وسط مسیر مردم، ردیف کنند و بعد در مقابل چشمان وحشت‌زده کودکان – و حتی بزرگ‌سالان- سر ببرند، به نوعی تبدیل مراسم قربانی به عادی‌سازی یا حتی تحبیب و بزرگداشت خشونت است که نه در تفکر شیعه جایی دارد و نه در فرهنگ ایرانی. کشتن حیوانات حلال‌گوشت، به عنوان مقدمه لازمی برای مصرف گوشت آنها، با همه بحث‌های فلسفی‌ای که درباره آن وجود دارد، ضرورت و اجباری است که بشر به آن تن در داده است هرچند درعین‌حال مشاغلی همچون قصابی و سلاخی مکروه تلقی شده است، اما سفارش اکید همواره این بوده که ذبح حیوانات با کمترین آزار و شکنجه و درد توأم باشد بنابراین زجردادن حیوان مذبوح بی‌گمان ناهنجاری روانی و بیماری است که نیاز به درمان جدی دارد به طریق اولی شکنجه حیوانات حرام‌گوشت و کتک‌زدن و آزار و کشتن گربه‌ها، سگ‌ها و خرس‌ها... چنان مرض خطرناک و جدی‌ای است که مبتلایان به آن را باید بستری و عنداللزوم – تا مدتی - زنجیر کرد. والله اعلم!

آکادمی

علم جراحی و موج چهارم



دکتر رضا سعیدی‌فیروزآبادی*

با انجام اولین جراحی با بیهوشی عمومی در ۱۶ اکتبر سال ۱۸۴۶ در دانشگاه هاروارد شهر بوستون ایالات متحد، علم جراحی وارد عصر جدیدی شد. قبل از آن اعمال جراحی به‌طور محدود انجام می‌شدند و بسیاری از جراحان پزشک نبودند. این‌ا را موج اول جراحی می‌نامند. بعد از ۱۶ اکتبر ۱۸۴۶ جراحی وارد موج دوم خود شد. در این عصر اعمال جراحی به‌سرعت گسترش یافتند و شاخه‌های جدیدی مانند جراحی قلب، اعصاب، زنان و... پا به عرصه وجود گذاشتند. ولی مرگومیر در اثر اعمال جراحی با عفوتهای بعد از آن، درمان به روش جراحی که در رشته‌ای پرخطر تبدیل کرده بود. در این دوران تنها اقلیتی از بیماران بهبود می‌یافتند. با پیشرفت‌های علمی در رشته بیهوشی، مراقبت‌های بعد از عمل، رعایت اصول جراحی پاک و استریل و کشف آنتی‌بیوتیک، به‌تدریج مرگومیر اعمال جراحی کاهش یافت و این علم وارد موج سوم شد، ولی همچنان عوارض جراحی بالا بود که به کاهش کیفیت زندگی بیماران منجر می‌شد. به‌تدریج بعد از اواسط دهه ۷۰ موج چهارم عمل جراحی آغاز شد. با تلاش علمی‌ای که در این عصر صورت گرفت، جراحی و روش‌های آن به‌طور بنیادینی تغییر کرد. دیگر موضوع کاهش مرگومیر مطرح نبود. در این دوران مرگومیر جراحی‌های بزرگی مانند قلب، مغز و احشای بدن به کمتر از پنج درصد کاهش یافته بود، ولی شیوع عوارض همچنان بالا بود. عوارض بعد از جراحی به بستری طولانی در بیمارستان، هزینه بالا، ازکارافتادگی و کاهش کیفیت زندگی بیماران منجر می‌شد. هدف عمل جراحی در موج چهارم این بود که با درمان بیماری، فرد را به آغوش خانواده و جامعه بازگرداند، به‌طوری‌که بیمار کیفیت زندگی مطلوبی داشته باشد.

شاید مثال خوبی که وضعیت موجود در جراحی را به‌خوبی نشان دهد، جراحی سرطان سینه باشد. قبل از دوران بیهوشی عمومی (عصر اتر) جراحی برای سرطان سینه به‌ندرت انجام می‌شد و اکثر بیماران مبتلا به این بیماری فوت می‌کردند. در موج دوم جراحی، سرطان سینه با برداشتن سینه و عضلات جدار قفسه سینه وارد فاز تازه‌ای شد و «ولیم هالستد» در دانشگاه جان هاپکینز ایالت مریلند آمریکا نشان داد که با انجام این عمل جراحی می‌توان جان برخی از بیماران را نجات داد، ولی همچنان مرگومیر جراحی بالا بود. به‌تدریج با پیشرفت علم بیهوشی و مراقبت‌های بعد از عمل، مرگومیر بیماران کاهش یافت، اما این عمل جراحی، به دلیل برداشتن عضلات قفسه سینه، با تغییرات ظاهری ناخوشایندی در بدن بیماران همراه بود. این عمل جراحی، بیماران را از سرطان نجات می‌داد، اما ظاهر بدن را طوری تغییر می‌داد که مشکلات روانی زیادی برای بیمار ایجاد می‌کرد و به‌شدت کیفیت زندگی او را تحت‌تأثیر قرار می‌داد. بسیاری از زنان حتی علیه این نوع اعمال جراحی تظاهرات کردند. به‌تدریج عمل جراحی سرطان سینه کوچک و کوچک‌تر شد. ابتدا برداشتن عضلات قفسه سینه منسوخ شد. بعد از آن نشان داده شد که می‌توان به‌جای برداشتن سینه، فقط بخشی از سینه را برداشت، ولی برداشتن غدد لنفاوی زیربغل همچنان جزء اصلی جراحی بود. این کار گاهی به ورم بازو و دست منجر می‌شد که برای بیمار بسیار مشکل‌آفرین بود و کارهای روزانه وی را مختل می‌کرد. به‌تدریج مشخص شد که به‌جای برداشتن تمامی غدد لنفاوی زیربغل، می‌توان تنها یک یا دو غده را برداشت که این کار اطلاعات کافی برای درمان بیمار را در اختیار پزشکان قرار می‌دهد. امروزه جراحی سرطان سینه به یک جراحی محدود تبدیل شده که در کلینیک‌های جراحی قابل انجام است، به‌طوری‌که بیمار چند ساعت بعد از عمل جراحی مرخص می‌شود.

مثال دیگر، عمل جراحی با حداقل مداخله است؛ مانند عمل جراحی پارکوپسی یا آندوسکوپي. در این عمل جراحی با یک برش کوچک می‌توان وارد بدن شد؛ به‌عنوان مثال در این نوع جراحی که لاپاراسکوپي (دیدن داخل شکم) نامیده می‌شود، می‌توان بیمار را از این طریق درمان کرد. این نوع عمل جراحی با آسیب کمتری به بدن بیمار همراه است. بنابراین درد بیمار در دوران نقاهت کاهش یافته و فرد زودتر به زندگی عادی خود بازمی‌گردد.

در روش آندوسکوپي می‌توان با دوربینی خاص، از راه بینی، دهان یا مقعد وارد قسمت‌های مختلف بدن شد و کار درمانی را انجام داد. مثال دیگر آن پیوند اعضاست. به علت شیوع بیماری‌های مزمنی مانند فشارخون یا دیابت، امروزه بسیاری از بیماران به نارسایی عضو مبتلا شده و در خطر مرگ هستند. پیوند اعضا بهترین روش درمانی در این بیماران است که با افزایش طول عمر این بیماران و بهبود کیفیت زندگی فرد، انقلابی در علم پزشکی ایجاد کرده. این عمل جراحی در دهه‌های اخیر با موفقیت زیادی همراه شده است، به‌طوری‌که مرگومیر بیماران را کاهش داده و آنان را به آغوش خانواده بازمی‌گرداند. کیفیت زندگی این افراد، به‌مراتب از افراد مبتلا به نارسایی عضو، بهتر است. در ضمن هزینه پیوند به‌مراتب از هزینه درمان نارسایی عضو کمتر است. با ورود به موج چهارم، عمل جراحی با مرگومیر و عوارض کمتری همراه شده است که به افزایش کیفیت زندگی بیمار منجر می‌شود. با پیشرفت‌های علمی و فناوری نظیر سلول‌های بنیادی، دستگاه‌های ژنتیکی، علم ناو و چاپگرهای سه‌بعدی، این سؤال مطرح است که آیا در آینده علم جراحی به پایان خود خواهد رسید؟ این سؤالی است که تنها در آینده می‌توان به آن پاسخ داد.

♦ جراح پیوند و عضو هیت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران